

کیفر سرشت

* * *

باقتها و روانش، ضرورت دارد. در حقیقت مقدم بر هر چیز باید با انسان پرداخت انسانی که با انحطاط او، زیبایی تمدن ما و حتی عظمت جهان ستارگان از بین می‌رود... ص ۱۱-۱۰ «انسان امری پر دراخته محیط خود و عادات زندگی و افکاریست که اجتماع با او تحمیل کرده است... دیدیم که چگونه این عادات لطماتی به جسم و جان ما می‌زند و دانستیم که در حال حاضر تطابق ما با محیطی که به کمک وسایل علمی پیرامون خود ایجاد کرده ایم بدون انحطاط، ممکن نیست. درین مورد علم را نباید مقصر شمرد بلکه باید آدمی را خطاکار دانست. ما ندانسته‌ایم که چگونه صواب را از خطا و جایز را از ممنوع بازشناسیم. و بدین ترتیب بقوانین طبیعی و سرشتی خود پشت پازده و گناهی بزرگ را که هیچگاه بدون کیفر نمی‌ماند، مرتکب شده‌ایم اصول آئین علمی و اخلاق صنعتی در برابر حقیقت زیست‌شناسی ساقط شده است. زندگی همیشه به کسانی که از آن توقع بیجا دارند و قوانین طبیعی‌اش را پایمال می‌کنند یک پاسخ میدهد: ضعیف می‌شود و تمدن‌ها برهم می‌ریزد. علوم مواد بیجان، ما را بدنیائی کشانده است که متناسب با ما نیست و ما کور کورانه هر آنچه را که این علوم بما داده اند پذیرفته‌ایم،

دکتر آلکسیس کارل گواهی خود را با این سخن آغاز میکند که بشر - بقول او - با «قوانین طبیعی» و بقول ما - با «قوانین فطرت که خدا مردم را با آن سرشته است» مخالفت کرده و این مخالفت عواقبی در پی دارد که هر کس با این قوانین محکم و نرمش ناپذیر مخالفت کند ناچار بدان برخورد خواهد کرد و مخالفان را بدون کیفر نخواهد گذاشت وی آنگاه به بیان کیفرهایی می‌پردازد که هم‌اکنون به بشریت رسیده است:

«قبل از شروع، مؤلف به دشواری این کار آگاه بود و آنرا تقریباً غیر ممکن می‌دید ولی قدم پیش گذاشت زیرا بالاخره می‌بایست کسی چنین تصمیمی میگرفت. زیرا انسان قادر نیست دیگر از تمدن ماشینی در راهی که افتاده است پیروی کند... برای آنکه بسوی انحطاط میگردید. زیباییهای علوم ماده بیجان چنان او را خیره کرده که از یاد برده است جسم و جان او از قوانین مرموزی پیروی میکنند که مانند قوانین جهان ستارگان لا-یتغیرند، و بی آنکه خطر و زیانی متوجه شود آنها را پایمال نمود. بنابراین این شناسائی روابطی که آدمی را ناچار به جهان وهم - نوعانش می‌پیوندد و آشنائی به روابط بین

پرست بیار میآیند و در اجتماع امروزی اغلب با چنین افرادی برخورد میکنیم ، (ص ۱۶۸)

« رشد شعوری اغلب خیلی کم است و فقط قادر بانجام کارهای ساده‌ای هستند که در اجتماع جدید زندگی فرد را تأمین میکند، یعنی میسازند و مصرف میکنند و احتیاجات فیزیولوژیکی خود را تأمین میکنند و از مشاهده مسابقات ورزشی و دیدن فیلمهای سینمایی پرحادثه لذت می برند و با وسائل حمل و نقل سریع بدون زحمت از نقطه‌ای به نقطه دیگر میرسند و خود را با نگاههای سرسری باشیاء مشغول میدارند ، سست و تأثیر پذیر و تجمل دوستند و از حسن اخلاقی و مذهبی و استتیک بهره‌ئی ندارند »

(ص ۱۵۹)

« و این آشفتگی و ناهماهنگی دنیای شعوری یکی از مشخصترین کیفیات عصر ماست »

(ص ۱۷۰)

« فکر نیز می تواند سبب ضایعات عضوی شود. بی ثباتی شرائط زندگی جدید ، اضطرابات دائمی ، فقدان امنیت اقتصادی، حالاتی در شعور ایجاد میکند که منجر به پیدایش اختلالات عصبی و ساختمانی معده و روده ها و دستگاه هاضمه میشود و در نتیجه عبور میکربها از جدار روده‌ها در جریان خون تسهیل میگردد . بیماریهای روده بزرگ و عفونتهای کلیوی و مثانه که با آنها

فرد امروزی کوته بین ، عاری از موهبت اخلاق، بیهوش و برای اداره خود و تشکیلاتش ناتوان است» (۱) (ص ۳۲۲)

« در تمدن جدید ، فرد عادی با فعالیت نسبتاً زیاد که مخصوصاً به جنبه های علمی زندگی متوجه است و بکمی اطلاعات و نیرنگ سازی و بانوعی ضعف روحی که سبب میشود بزودی تحت تأثیر محیط خود قرار گیرد مشخص میشود بنظر می آید که با گسستگی زره اخلاق ، هوش نیز تحلیل رفته و راه زوال می پوید...» (ص ۳۶)

« شاید بتوان گفت که تمدن جدید از تهیه و پرورش نمونه‌های برگزیده و ممتازی که در عین حال از مواهب هوش سرشار و تصور و جدیت برخوردار باشند ، ناتوان است، تقریباً در تمام کشورها میزان وحدت فکر و مایه اخلاقی نزد متصدیان امور سیاسی و تجارتی و صنعتی نقصان یافته است .

(ص ۳۷)

« کسانی که در کارهای خود حتی از اندک تلذذ هنری برخوردارند خیلی از آنها نیکه فقط «شیء» را بخاطر مصرف آن میسازند خوشبخت ترند ، بدیهی است صنعت با شکل کنونی خود ابتکارات و لذات کارگران را زائل کرده است »

(ص ۱۶۲)

« اگر منحصر در پرورش یکی از فعالیت های عاطفی یا استتیک یا عرفانی افراد شود افراد کوچک و با افکار غلط و کوتاه و موهوم-

۱ - این قسمت را در فصل پیش آورده بودیم ولی چون مفهوم آن در اینجا ضروری

می نمود دوباره آوردیم .

د امروز فرهنگ ما سطحی و خطرناک است زیرا از لحاظ ماشین‌توانگر و از نظر غایات و مقاصد فقیر هستیم ، آن تعادل ذهنی که روزی از ایمان دینی گرمی بر- میخاست از میان رفته است ، علم مبانی فوق طبیعی اخلاقیات ما را از ما گرفته و گوئی همه جهان در اصالت فردیتی درهم و بر- هم که نشانه قطعه قطعه شدن نامنظم خوی و منش است گم گشته است .

ما باز در برابر مسئله‌ای قرار گرفته‌ایم که سقراط را بخود مشغول داشته بود : چگونه می‌توانیم اخلاقی طبیعی بدست آوریم که جایگزین ضمانت های اجرایی مافوق طبیعی ، که دیگر نفوذی در رفتار انسان ندارد ، بشود ؟ ما با فقدان فلسفه و بدون يك ایدة کلی بمنظور اتحاد اغراض و تنظیم سلسه امیال و رغبات ، میراث اجتماعی خود را از یکسوی بافسادی و قبیح و از سوی دیگر با جنونی انقلابی پایمال میسازیم . بيك لحظه کمال طبیعی آرام خود را بيكسوی مینهمیم و در خود کشی تعاونی جنگ فرو میرویم .

ما صد هزار سیاست باز داریم ولی يك سیاستمدار نداریم ! ما بروی زمین با سرعتی بی سابقه حرکت میکنیم و نمیدانیم و فکر نکرده‌ایم که کجا میرویم و آیا در اینجا برای نفوس بی آرام خود سعادت پیدا خواهیم کرد . ما با دانش خویش که ما را با قدرت خود مست کرده است نابود می‌شویم و

همراه است ، از نتایج دیرین عدم تعادل روانی و معنوی است : این بیماریها در طبقاتی از اجتماع که زندگی آرام و ساده و بدون تشویشی دارند کمتر دیده میشود . همچنین کسانی که میتوانند در میان هیاهو و غوغای شهرهای بزرگ ، آرامش درونی خود را حفظ کنند نیز از دستبرد اختلافات احشائی درامانند .

(ص ۱۷۷)

* * *

اکنون گواهی « ویل دورانت » نویسنده فلسفه دان آمریکائی را نقل میکنیم :

نمی‌توان گفت این مرد با تمدن حاضر دشمنی دارد بلکه شدیداً از پیشرفتیکه در مجموعه این تمدن نمودارست در شگفت است و آشکارا با عموم ادیان و بویژه اسلام ابراز دشمنی می کند « مؤسسه فرانکلین » يك جلد از کتاب : « لذات فلسفه » و « جامعه بین‌المللی عرب » ترجمه چند جلد از کتاب « تاریخ تمدن » او را منتشر کرده است (۱)

و خواننده عرب زبان میتواند موضع اعجاب آمیز او را نسبت به مجموعه این تمدن و نیز موضعی که بطور کلی در برابر دین و بخصوص آئین اسلام گرفته است ملاحظه کند ، با اینهمه در کتاب « لذات فلسفه » در باره « تمدن » موجود چنین میگوید :

۱ - ترجمه فارسی کتاب « لذات فلسفه » ترجمه آقای عباس زریاب خوئی در يك جلد توسط شرکت سهامی نشر اندیشه و کتاب « تاریخ تمدن » در ۲۰ جلد تاکنون با ترجمه چند مترجم دانشمند توسط شرکت سهامی اقبال منتشر شده است. (مترجم)

تحريك غریزه جنسی و تسهیل ارضای آن همه گونه وسائل آماده میسازد. رشد جنسی زودتر از گذشته میرسد ولی رشد اقتصادی دیرتر است. تحدید شهوات که در زندگی روستائی امری معقول و عملی بنظر میرسد در جامعه صنعتی که ازدواج را تاسی سالگی بتأخیر می اندازد امری دشوار و غیر طبیعی مینماید. شهوت ناگزیر سر بر می آورد و کف نفس مشکل میگردد، عفت که زمانی جزو فضایل بود مردود میشود و حجب و حیا که بر شدت عشق و محبت می افزود از میان می رود مردان بکثرت گناهان افتخار می کنند و زنان می خواهند در لجام گسیختگی با مردان همقدم شوند. عشقبازی امری عادی میشود و فحشاء رسمی نه بر اثر مراقبت پلیس بلکه بعلت رقابت فحشاء غیر رسمی از کوچه و بازار بر چیده میشود، اصول اخلاقی جامعه کشاورزی از هم می پاشد و جامعه شهری دیگر آن را (بقیه در ص ۱۶)

بدون حکمت نجات نخواهیم یافت (۱)
(ص ۶-۷-ج ۱)

« اختراع و انتشار وسایل ضد باروری از علل بی واسطه تغییر اصول اخلاقی است. اصول اخلاقی کهن نزدیکی زن و مرد را فقط در دایره ازدواج اجازه میداد زیرا نزدیکی باید بمنظور باروری و بچه داری هم فقط در نتیجه ازدواج صحیح تواند بود. اما امروز تناسل و باروری از آمیزش جنسی جدا شده است و در نتیجه وضعی پیش آمده است که پدران ما آنرا پیش بینی نکرده بودند. تنها این عامل است که ارتباط زن و مرد را دگرگون ساخته و اصول اخلاقی آینده باید روی تسهیلاتی که اختراعات برای وصول بلذات بوجود آورده اند حساب شود. ... (ص ۱۲۵-ج ۱)

« در حالیکه زندگی شهری موانعی سر راه ازدواج میگذازد از طرف دیگر برای

(۱) ملاحظه کنید نویسنده اعتراف دارد که ایمان گرم دینی تعادل ذهنی بوجود می آورد و اضطرابیکه از آن سخن می گوید بر اثر کنار گذاشتن باز دارنده های مافوق طبیعی پیدا شده است... ولی در عین حال، وی بهمه ادیان و بخصوص دین اسلام در لابلای کتاب خود حمله میبرد.

راستی دین را با چه چیزی عوض میکند؟ به فلسفه یا بقول خودش بحکمت؟ در صورتیکه کره زمین در هیچ عصری از فلسفه خالی نبوده ولی هیچگاه فلسفه نتوانسته در رهبری اجتماع به تعادل و تعالی اخلاقی، جایگزین دین شود. همچنین ملاحظه میشود که نویسنده، با غرض ورزی دین را - که مردم از آن دوری گزیده اند - تشبیه به بت پرستی قبل از سقراط کرده که در هم فرو ریخته شد و مشکله ای را که نویسنده از آن یاد میکند برای عصر سقراط پدید آمد. ادیان آسمانی را هم طراز بت پرستی یونانی قراردادن جز از هوای نفس حکایت نمیکند. (قطب)

قتل عام مسلمانان

در

فیلیپین

اخبار کشتارهای دسته جمعی مسلمانان در فیلیپین که توسط خبر - گزاریهای خارجی منتشر شده ، موجب تأسف و ناراحتی شدید مسلمانان در سراسر روی زمین و مردم ایران گشته است .

طبق آخرین گزارش منتشر شده بوسیله « خبرگزاری فرانسه » از **کراچی و قاهره** ، در حوادث اخیر فیلیپین ، **بیش از سه هزار مسلمان کشته و ده هزار نفر دیگر زخمی شده اند** ، یکی از رهبران مسلمانان فیلیپین بنام « **احمد دمو نو کو علینتو** » که عضو « مؤتمر اسلامی کراچی » نیز هست اخیراً در مصاحبه های مطبوعاتی خود ، در پایتخت های کشورهای اسلامی ، ضمن اعلام رسمی ارقام فوق ، اظهار داشت که علاوه بر کشتارهای دسته جمعی تاکنون در حدود **۸۰ هزار نفر** از مسلمانان این کشور بی خانمان شده اند و **مسیحیان** چهار هزار خانه و یکصد مسجد آنان را با خاک یکسان ساخته اند . طبق نوشته کیهان « احمد علینتو » در مصاحبه خود گفت : « جنش

صهیونیسم بین المللی مسئول آدمکشی های دسته جمعی است و این بخاطر آنست که مسلمانان با اسرائیل مخالفت میکنند ... در سالهای (۱۹۵۰ - ۱۹۵۹ م) مسلمانان فیلیپین نسبت بگشایش سفارت اسرائیل در **مانیل** ، بشدت مخالفت ورزیدند و بعداً نسبت به سفر نخست وزیر و وزیر امور خارجه اسرائیل دست به تظاهرات زدند و سپس به تلافی سوزاندن **مسجد اقصی** در بیت المقدس ، سفارت اسرائیل را در فیلیپین با آتش کشیدند ... (۱)

بدین ترتیب کاملاً روشن میشود که صهیونیسم تجاوز کار جهانی و آتش - افروزان جنگهای صلیبی در توطئه های ضد بشری قتل عامهای فیلیپین نیز مانند **فلسطین** ، **اریتره** ، **چاد** و ... همکاری صمیمانه دارند ... برای شناخت ماهیت فاجعه و چگونگی کشتارهای بیرحمانه در فیلیپین ، باید آشنائی بیشتری با این سرزمین پیدا کنیم :

مجمع الجزائر فیلیپین در جنوب شرقی آسیا - شرقی ترین منطقه در قلب اقیانوس آرام - واقع شده ، و از طرف اندونزی ، مالیزی ، جمهوری خلق چین و جزیره فرموز

(۱) : کیهان مورخ ۱۱/۷/۵۰ شماره ۸۴۶۶

احاطه شده است فیلیپین از هفت هزار و پانصد جزیره بزرگ و کوچک تشکیل شده و صدها هزار کیلومتر مربع مساحت دارد .

طبق آخرین سرشماری که بعمل آمده جمعیت فیلیپین ۳۸ میلیون نفر بر آورد شده است و رشد جمعیت ، سالیانه به ۳٫۵ درصد میرسد ، بدین معنی که در هر دقیقه ۱۳۷ طفل در آنجا بدنیا می آید و طبق اظهار «جمعیت شناسان» در سال (۲۰۰۰ م) ، جمعیت این سرزمین از ۹۰ میلیون نفر متجاوز خواهد شد (۱)

مردم فیلیپین بامتجاوز از هشتاد نوع زبان مختلف محلی صحبت میکنند که هر یک از آنها تفاوت فاحشی بادیگری دارد . زبان ملی آنها «تاگالوک» نام دارد که در هر ناحیه ای از مملکت ، آنرا بطرز خاصی بیان میکنند ... ولی زبان رسمی این کشور انگلیسی است و حتی در مدارس هم بعنوان «زبان اول» تدریس میشود و بدون شك این ، نتیجه مستقیم نفوذ استعمار خارجی در این سرزمین است .

اکثریت مردم فیلیپین ، مسیحی کاتولیک (۸۰ درصد) هستند و مسلمانان فقط ۱۰ درصد جمعیت این سرزمین را تشکیل میدهند یعنی در حدود چهار میلیون نفر (۲) مسلمان در این کشور هستند که اغلب در مناطق جنوبی بسر می برند .

* * *

طبق شهادت تاریخ ، اسلام در اوائل قرن هشتم میلادی به هند و چین راه یافت (۳) زیرا که جزائر محیط باین نقطه از آسیا ، همیشه مورد رفت و آمد بازرگانان مسلمان بود و بدون شك اسلام نیز توسط آنان ، از همان تاریخ در این سرزمینها نفوذ و توسعه یافت . ولی با آغاز قرن چهاردهم ، اسلام ، بسرعت تمام در جنوب شرقی آسیا پیش رفت و در آن هنگام اندونزی و مالیزی و فیلیپین در واقع دولت واحدی بشمار میرفتند که «مالایو-کبیر» نام داشت و جاوه پایتخت آن بشمار میرفت و دارای حکومت اسلامی بود .

مبلین اسلامی در آن عصر با وعظ و سخنرانی خود ، اسلام را در بین مردم توسعه دادند و تاریخ هرگز ، نشان نمیدهد که در این سرزمینها برای پیشرفت اسلام ، جنگی اتفاق افتاده باشد ...

با اینکه مجمع الجزائر فیلیپین در طول تاریخ همیشه مورد تجاوز و تاخت و تاز دولت های بیگانه بوده ، ولی بشهادت تاریخ ، فقط مسلمانان بودند که با مردم بومی این سرزمین رفتار کاملاً انسانی داشتند و هیچوقت ب فکر تصرف سرزمین و غارت اموال مردم بر نیامدند .

این وضع ادامه داشت تا آنکه «ماژلان» از راه اسپانیا فرا رسید ...

* * *

... در چهار قرن پیش ، یعنی بسال (۱۵۲۱) میلادی جهانگردی بنام « فردیناند ماژلان » جزائر آباد فیلیپین را کشف کرد و تا آن تاریخ فقط مردم بومی در این مجمع-الجزائر زندگی میکردند و با غرب و اروپائیان آشنائی نداشتند ... کم کم اروپائیها و بویژه

(۱) : اطلاعات مورخ ۲۳/۶/۵۰ شماره ۱۳۵۹۷ .

(۲) : هفته نامه انگلیسی Radiamce - تابش - چاپ دهلی نو - شماره ۶ سال ۱۹۷۱

(۳) : مجله ماهانه «الوعی الاسلامی» شماره ۹۰ صفحه ۹۱ ، چاپ کویت .

اسپانیولی ها با آنجا راه یافتند و در آنجا سکونت نمودند و سپس بر منابع طبیعی آن چشم دوختند .

هنوز چهل سال از کشف فیلیپین بدست « مازلان » نگذشته بود که اسپانیولی ها با تجهیزات خاص آن زمان ، وبا کشتی های بادبانی داخل جزیره سبو (Sabu) شده و آنجا را تصرف کردند ولی طولی نکشید که تجاوز آنها توسعه یافت و تمام جزائر فیلیپین تحت تسلط اسپانیولی ها ، درآمد و منابع طبیعی و معادن آن توسط استعمارگران بفارت رفت... (۱)

(ناتمام)

(۱) « باخاور دور سرزمین شگفتیها آشنا شوید »

بقیه از صفحه ۱۳

بحساب نمی آورد (۱) (ص ۱۲۶-۱۲۷) « ما نمیدانیم که چه مقدار از « مفاسد اجتماعی » معلول تأخیر ازدواج است. بی شك بسیاری از آن نتیجه علاقه اصلاح-ناپذیری است که به تنوع داریم و طبیعت بیک زن اکتفانمیکند . بعضی از آن معلول حس حمایت مردان است که حمایت از معشوقه تازهای را بر محصور بودن در چهار دیوار خانه ترجیح میدهند . ولی ظاهراً بیشتر این مفاسد از تأخیر امر با برکت ازدواج ناشی می شود و حتی فساد پس از ازدواج نیز بیشتر محصول عادات پیش از ازدواج است . ما باید بکوشیم که علل اجتماعی و حیاتی پیشرفت صنعتی را درک کنیم و نتایج آنرا که بدست خود (۲) انسان پیدا شده است ناگزیر گردن نهم و این رأی در بین اکثریت متفکرین عصر حاضر شایع است ، اما این

امر شرم آور است که نیم میلیون دختر امریکائی قربانی شهوت رانی بشوند و ادبیات و تأثر باولع پلید خود شهوت پرستی مردان و زنانی را که در نتیجه آشفنگی اجتماعی صنعتی از سلامت و راحت ازدواج محروم شده اند بپول تبدیل کند . طرف دیگر قضیه نیز غم انگیز است زیرا در حالیکه مردان ازدواج را بتأخیر می اندازند و با زنان کوچک و بازار بعشق می پردازند بسیاری از زنان در غمت و حجبی بی حاصل انتظاری - کشند ، مردان در سالهای پیش از ازدواج برای ارضای شهوات خود با مؤسسه عالم-گیری روبرو هستند که با آخرین وسایل و تشکیلات علمی مجهز است ، گوئی دنیا برای تحریک و ارضای میل آنان هر گونه روش مقصود را بهم پیچیده ، وجود کرده است...

(ص ۱۲۷-۱۲۸)

(ادامه دارد)

۱ - ملاحظه میشود نویسنده که آمریکائی است در تفسیر اقتصادی تاریخی قوانین قوانین مکتب «مارکس» را معتبر میشمارد . گریز او از دین است که ویرا بدین تنگنا افکنده است وی نمیخواهد اعتراف کند که دوری از دین ، مردم را در این هرج و مرج انداخته ، بلکه تنها علت را ، انتقال از دوره کشاورزی به صنعتی میدانند (قطب)

۲ - سرمطلب در حقیقت ، همین است : « بدست خود انسان » و برکنار از خدا و هدایت الهی : اینست علت اصلی بلا ! (قطب)